Archive of SID

مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری مالی
دوره ۵- شماره(۲) ، پیاپی ۱۷، تابستان ۱۳۹۷ صفحه ۸۵-۱۱۰

توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی

رضا طاهری عابد
دانشجوی دکتری حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
مهدی علی نژاد ساروکلائی*
استادیار حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
خسرو فغانی ماکرانی
دانشیار حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

چکیده

ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله توانایی و دانش مالی می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار داده و به‌موجب آن شفافیت گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار بگیرد. در این تحقیق به بررسی تأثیر توانایی و دانش مالی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به محدودیت‌های تحقیق، ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری متغیر توانایی از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳)، و متغیر دانش مالی از نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل (باتواح و همکاران، ۲۰۱۵)، و همچنین جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی از معیار چند بُعدی که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد (یوسفی اصل و همکاران، ۱۳۹۳)، استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که توانایی مدیران عامل اثر مثبتی بر شفافیت گزارشگری مالی دارد، اما این تأثیر معنادار نشد. همچنین بین دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری مشاهده نگردیده است. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داد که توانایی و دانش مالی مدیران عامل بصورت همزمان اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل پوششی داده‌ها، مدرک تحصیلی مدیران عامل، شفافیت گزارشگری مالی، بورس اوراق بهادار تهران.

*تاریخ دریافت مقاله:۱۳۹۷/۲/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸
ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: mehdi12may@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

بورس اوراق بهادار به‌عنوان مکانی برای شکل‌دهی جریان تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نقش عمده‌ای را در افزایش تولید کشور دارا است و از این طریق در راستای پیشرفت کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار است. اما مسأله مهم در این زمینه شکل‌دهی درست این جریان توسط نیروهای موجود در بازار است، که این خود منوط به آن می‌باشد که پروژه‌هایی با حداکثر بازده توسط سرمایه‌گذاران شناسایی گردد. تصمیم‌گیری برای شناسایی چنین پروژه‌هایی همواره مستلزم استفاده از اطلاعاتی قابل اتکاء و مربوط به‌منظور استفاده در مدل‌های تصمیم‌گیری می‌باشد. برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بازار سرمایه، این اطلاعات تنها زمانی موثر هستند که دارای کیفیت باشند. زمانی‌که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند، ورشکستگی و رسوائی پاره‌ای از شرکت‌ها به‌تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش‌دهی اطلاعات ضعیف کرد و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح شد. لذا این مسئله سبب شد که شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی مورد توجه عمیق مجامع حرفه‌ای قرار گیرد (صمدی لرگانی و آراد، ۱۳۹۱؛ ۱۱۱). یکی از مواردی که تأثیر-گذار بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها است، ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله توانایی و دانش مالی می‌باشد که رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار می‌دهد.

توانایی؛ یک توانش خصلتی باثبات و وسیع را مصور می‌سازد که شخص را به دستیابی و نهایت عملکرد در مشاغل فیزیکی و فکری مقید می‌کند و موفقیت افراد را در پی دارد (کرینر و کینیکی[۱]، ۲۰۰۱؛ ۸۷). در تعریفی دیگر، توانایی مدیریت را به‌عنوان کارآیی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند (دمرجیان و همکاران[۲]، ۲۰۱۳؛ ۴۶۴). از یک مدیر توانا انتظار می‌رود که استانداردهای حسابداری را بهتر درک نموده (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۴۶۴) و در نتیجه نامتقارنی اطلاعات را کاهش دهد (آندرو و همکاران[۳]، ۲۰۱۳؛ ۲). مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، به علّت داشتن قدرت درک و تحلیل بهتر از شرایط حال و آینده شرکت و صنعت خود، تخمین‌های با کیفیت بالاتر را در ارتباط با اقلام تعهدی دارند که این امر منجر به ارائه صادقانه سود حسابداری و در نتیجه باعث بهتر شدن شفافیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین، دانش مالی مدیران عامل همان تحصیلات مرتبط با رشته‌های مالی از جمله حسابداری، مدیریت و اقتصاد می‌باشد؛ و مدیران عاملی که در این رشته‌ها تحصیل کرده باشند، دارای توان تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، آشنایی با استانداردها و سیاست‌های حسابداری، نظارت بهتر بر افشای اطلاعات مالی بوده و از فرض احتیاط در حسابداری پیروی می‌نمایند (ماتسوناگا و همکاران[۴]، ۲۰۱۳؛ ۲). مدیران عامل با دانش مالی، توجّه زیادی به قسمت‌هایی مانند حسابداری و حسابرسی داخلی داشته و نظارت دقیقی در انجام این وظایف محوله دارند. احتمال اینکه این

www.SID.ir

Archive of SID

مدیران نقش افشاء مالی را در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران درک کنند، بیشتر است (ماتسوناگا و یئونگ[۵]، ۲۰۰۸؛ ۲۴). مدیران عامل دارای پیش زمینه مالی مدیریت بهتری بر سیستم حسابداری شرکت داشته و این ریسک اشتباهات را در سیستم کاهش داده و در نهایت شفافیت گزارشگری مالی شرکت را افزایش می‌دهد.

جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک بعدی و یا چند بعدی استفاده شود. در تحقیقات پیشین برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی از شاخص‌های تک بعدی آن همچون، هموارسازی سود (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۱)، افشای اختیاری (بوچکای و همکاران[۶]، ۲۰۱۶؛ ۱)، کیفیت سود (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۲۲۹) و (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۳۷)، کیفیت اقلام تعهدی (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۷۵) و دقّت اطلاعات مالی (پیری و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۱۰۶) برای تبیین ارتباط با متغیر توانایی مدیران، و همچنین مدیریت سود تعهدی (گونوپولوس و فام[۷]، ۲۰۱۷؛ ۱) و (جیانگ و همکاران[۸]، ۲۰۱۳؛ ۱۳۴) و (ملازاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۳۷) و (کریشنا و همکاران[۹]، ۲۰۰۹؛ ۱) و نیز مدیریت سود واقعی (لی و همکاران[۱۰]، ۲۰۱۶؛ ۱۱۷) برای بررسی با متغیر دانش مالی مدیران استفاده شده است. از آنجایی که معیارهای تک بعدی، سازه‌هایی هستند که شفافیت را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند (دبوکسی وگیلت[۱۱]، ۲۰۱۳؛ ۱۰۱)، بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش بوشمن و همکاران[۱۲] (۲۰۰۴؛ ۲۰۷) معیارهای جامعی از شفافیت طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف شفافیت گزارشگری مالی را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی معیارهای تک بعدی، شاخص-های غیرمستقیم و به احتمال زیاد مستقل شفافیت گزارشگری مالی می‌باشند، معیارهای چند بعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند. در این پژوهش جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی از معیار چند بعدی که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد، استفاده گردیده است. مدل شفافیت بیان شده، مشتمل بر هر دو مجرای انتشار اطلاعات عمومی و خصوصی شرکت بوده و هر دو بعد مقدار و کیفیت اطلاعات را در نظر می‌گیرد. جهت ارزیابی وسیع ابعاد مختلف شفافیت شرکت در محیط اطلاعاتی شرکت، تعریف بوشمن و همکاران (۲۰۰۴؛ ۲۰۷) از شفافیت که توسط یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳؛ ۱۷) مطابق با شرایط محیطی ایران بومی سازی شده، در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد. از آنجا که تا کنون هیچ پژوهش جامعی در خصوص متغیر شفافیت گزارشگری مالی با مفاهیم توانایی و دانش مالی مدیران عامل مشاهده نگردیده است، لذا بررسی این موضوعات حائز اهمیت می‌باشد. در ادامه به بیان مبانی نظری فرضیه‌ها، تحلیل داده‌ها، تحلیل یافته‌ها و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود که می‌تواند برای پژوهشگران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی مفید واقع گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

۲-۱-توانایی مدیران و شفافیت گزارشگری مالی

یکی از سرمایه‌های انسانی، که نقش مهمی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و خلق ثروت برای سهامداران را دارد، و همچنین می‌تواند حیات بالنده و روبه‌رشد سازمان‌ها را تضمین کند، وجود نظام مدیریتی مقتدر و کارآمد است. در صورت اقتدار و توانمندی رکن مدیریتی سازمان‌ها است که می‌توان، حسن عملکرد و موفقیت سازمان‌ها را در شرایط فعلی انتظار داشت. از جمله عوامل بسیار مهمی که می‌تواند هر فردی را به موفقیت برساند، توانایی و قابلیت‌های فردی است. توانایی؛ یک توانش خصلتی باثبات و وسیع را مصور می‌سازد که شخص را به دستیابی و نهایت عملکرد در مشاغل فیزیکی و فکری مقید می‌کند (کرینر و کینیکی، ۲۰۰۱؛ ۸۷). دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳؛ ۴۶۴)، توانایی مدیریت را به‌عنوان کارآیی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. مدیران کارآتر و دارای توانایی‌های ذاتی بالاتر می‌توانند به سرعت از شرایط واحد اقتصادی تحت تصدی و صنعت مورد فعالیت خود، شناخت کافی به‌دست آورده و به‌واسطه شناخت و قدرت درک بهتر از ریسک، پروژه‌های سودآور را شناسایی کرده و با سرمایه-گذاری در آنها جریان‌های نقدی عملیاتی را نیز بهبود بخشند. مدیران کارآ، توانایی استفاده بهینه از منابع موجود را در فرآیند تحقق هدف‌های سازمانی دارند. آنها از منابع محدودی که در اختیار سازمان است، بیشترین نرخ بازده را ایجاد می‌کنند. مدیران توانمندتر به احتمال بیشتر در طرح-هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ارزش فعلی خالص مثبت بالاتری دارد و همچنین توانایی بیشتری در اجرای مناسب آنها خواهند داشت. افزون بر این، در دوره‌هایی که شرکت با بحران رو به رو است، مدیران توانمندتر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۲). در نتیجه، مدیران توانمند با تأثیرات خاص و تصمیم‌های حسّاسی که می‌گیرند می‌توانند در سطح خرد (شرکت) روند سرمایه‌گذاری و در سطح کلان تخصیص بهینه سرمایه‌گذاری و توسعه ملی را تحت تأثیر قرار دهند. در زمانی که توانایی امری کافی محسوب نمی‌شد، شرکت‌های دارای قابلیت و توانایی مدیریتی برتر، بیشترین سرمایه‌گذاری را در طول دوره بحران انجام دادند که نتیجه آن خلق سوددهی بالا و عرضه اوراق بهادار بیشتر بوده است. در مجموع، نتایج بررسی‌ها نشان داد که توانایی مدیریتی، عملکرد شرکت را تقویت کرده، سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، سوددهی و ظرفیت استقراض را بهبود بخشیده و نامتقارنی اطلاعات را کاهش می‌دهد (آندرو و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۲). به‌طور کلی، از مدیران توانا انتظار می‌رود که نسبت به نیاز مشتریان، شرایط کلان اقتصادی و منافع آتی دارایی‌های ثبت‌شده آگاهی داشته باشد. همچنین از یک مدیر توانا انتظار می‌رود که هوش، آگاهی و تخصص بیشتری داشته باشد تا بتواند استانداردهای حسابداری را درک کرده و با به‌کارگیری آنها در مورد اقلام تعهدی تخمین و قضاوت بهتری را بتواند انجام دهد (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۴۶۴). بخش تعهـدی

www.SID.ir

Archive of SID

سـود بـه مراتب از بخش نقدی آن اهمیت بیشتری در ارزیابی عملکرد شرکت دارد. وجه نقد به‌دست آمده طی دوره، اطلاعات مربوطی به شمار نمی‌آید؛ زیرا وجه نقد شناسایی شده مشکلات تطابق و زمانبندی را دارد که می‌تواند به اندازه‌گیری غیرصحیح عملکرد شـرکت منجر شود (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۶۱). بخش تعهدی نیز به‌دلیل قضاوتی و برآوردی بودن آن همواره در معرض خطر اشتباه یا اعمال نظر مدیریت قرار دارد (فرانسیس و همکاران[۱۳]، ۲۰۰۵؛ ۲۹۸). همچنین مدیران توانا، یعنی مدیرانی که بهتر می‌توانند از منابع سازمان استفاده کنند و بهره‌وری بالاتری دارند، کمتر دست به مدیریت سود می‌زنند؛ در نتیجه، کیفیت اقلام تعهدی آنها بالاتر است. از آنجا که تخمین‌ها و قضاوت‌های مدیران در رابطه با اقلام تعهدی، با توجه به چشم‌انداز آتی شرکت و صنعت انجام می‌گیرد و مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، به‌سرعت شناخت کافی از شرکت و صنعت کسب می‌کنند و قدرت درک و تحلیل بیشتری از شرایط حال و آینده شرکت و صنعت دارند، در نتیجه تخمین‌های مدیران توانا در رابطه با اقلام تعهدی از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود که این امر منجر به ارائه صادقانه سود حسابداری و در نتیجه باعث بهتر شدن شفافیت گزارشگری مالی می‌شود (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۴۶۳). با توجه به آنچه گفته شد، از آنجا که شفافیت گزارشگری مالی با کیفیت اقلام تعهدی مرتبط می‌شود، می‌توان گفت شرکت‌هایی که دارای مدیران با توانایی بیشتر می‌باشند، شفافیت گزارشگری مالی بالاتری را تجربه خواهند کرد.

حبیب و حسن[۱۴] (۲۰۱۷؛ ۲۶۲)، در پژوهشی تأثیر توانایی مدیران و راندمان سرمایه‌گذاری در سطح شرکت‌ها و چگونگی تاثیر آن در بروز خطر سقوط سهام آینده را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مدیران توانمندتر نسبت به سرمایه‌گذاری و همچنین کنترل تأثیرات کیفیت گزارشگری مالی و دیگر مشخصه‌های خاص سرمایه‌گذاری موثر هستند. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که ریسک سقوط برای شرکت‌هایی با مدیران توانا، تا حدود زیادی کاهش می‌یابد.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۷؛ ۱)، در تحقیقی به بررسی توانایی مدیریتی و هموارسازی سود پرداختند. چون مطالعات قبلی شواهدی را نشان می‌داد که مدیران با توانایی بالا گزارش سود را با کیفیت بالاتری نشان می‌دهند، آنها می‌خواستند به این نتیجه برسند که آیا این رفتار معمول است؟ در نتیجه در این تحقیق به این موضوع رسیدند که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارش های مالی رابطه مثبتی وجود دارد و مدیران توانمندتر گزارش سود را با کیفیت بالاتری نشان می‌دهند.

بوچکای و همکاران (۲۰۱۶؛ ۱)، در مطالعه خود با عنوان تردید در توانایی مدیرعامل، نگرانی-های شغلی و افشای اختیاری به این نتیجه رسیدند که افشای اختیاری تأثیر مثبتی در نگرانی‌های

www.SID.ir

Archive of SID

شغلی مدیران عامل دارد. همچنین قابلیت مدیریت باعث می‌شود که با گذشت زمان تقاضای سرمایه‌گذاران برای اطلاعات کاهش یابد، زیرا مدیران توانمندتر اطلاعات بیشتری از وضعیت تجاری خود می‌دهند که این به نوبه خود باعث تضعیف مشکلات حرفه‌ای در واحد تجاری می‌شود.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲؛ ۱۲۲۹) پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که مدیران توانمند قادر به مدیریت موفق سود هستند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن بود که توانایی مدیران با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه مثبت و با مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد.

سرلک و همکاران (۱۳۹۶؛ ۷۴)، به بررسی تأثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای دستیابی به این هدف با استفاده از روش غربالگری ۹۹ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه انتخاب و در طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج پژوهش بیانگر این است که کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد. همچنین توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت دارد.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۴؛ ۳۷)، با اندازه‌گیری توانایی مدیریت از طریق متد تحلیل پوششی داده‌ها و کیفیت سود با استفاده از سه معیار تجدید ارائه سود، پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود گذاشته، همچنین، باعث پایداری بیشتر سود و کیفیت بهتر اقلام تعهدی می‌شود. براساس تحلیل‌های انجام یافته، بین توانایی مدیریت و معیار تجدید ارائه سود رابطه معناداری یافت نشد.

با توجه به ادبیات نظری و پیشینه تجربی مطرح شده، فرضیه اوّل این تحقیق به‌شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اوّل پژوهش: توانایی مدیران عامل اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

۲-۲- دانش مالی مدیران و شفافیت گزارشگری مالی

انتخاب‌های استراتژیک مدیرعامل به‌عنوان قدرتمندترین مقام شرکت، بر اساس برداشت‌های او که خود تابعی از تجارب و شخصیت او است، می‌باشد (کراسلند و همبریک[۱۵]، ۲۰۰۷؛ ۷۶۷). تئوری رده بالا نشان می‌دهد که پیش زمینه مدیران اجرایی، گرایشات‌شان را در زندگی تعیین می‌کند و این گرایش می‌تواند انتخاب‌های استراتژیک آنها را تشکیل دهد (هیت و آیرلند[۱۶]، ۱۹۸۵؛ ۲۸۸). به‌عنوان مثال، بارکر و مولر[۱۷] (۲۰۰۲؛ ۷۹۹) اثبات کردند که هزینه‌های تحقیق و توسعه در شرکت‌هایی که مدیران عامل آن سابقه کاری تحقیق و توسعه دارند، بیشتر است. همچنین، کویونکو و همکاران[۱۸] (۲۰۱۰؛ ۸۶۹) دریافتند که مدیران عامل دارای پیش زمینه

www.SID.ir

Archive of SID

بازاریابی، بهتر از همتایان خود قادر به مدیریت سیاست‌های بازاریابی هستند. از این‌رو، انتظار می‌رود که مدیران عامل دارای پیش زمینه مالی مدیریت بهتری بر سیستم حسابداری شرکت داشته و این ریسک اشتباهات در این سیستم را کاهش داده و این در نهایت کیفیت گزارشگری مالی شرکت را افزایش می‌دهد. تمام این مطالعات نشان می‌دهند که سابقه اجرایی مدیران عامل، تصمیمات و نحوه اداره شرکت را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را در حل مشکلات مربوطه در زمینه‌های اجرایی توانمندتر می‌کند (کولینان و راش[۱۹]، ۲۰۱۱؛ ۷۱). مطابق با ادبیات مدیریت راهبردی، مدیران عامل ترجیحات و تمایلات خود را در سازمان پیاده می‌کنند و به رخدادهایی که همسو با این ترجیحات و تمایلات هستند، توجه بیشتری دارند (شن[۲۰]، ۲۰۰۳؛ ۴۶۶). این نظریه نشان می‌دهد که مدیران عامل با دانش مالی، توجه زیادی به قسمت‌هایی مانند، حسابداری و حسابرسی داخلی داشته و نظارت دقیقی در انجام این وظایف محوله دارند. این نظارت ممکن است روش‌های خلاف اصول حسابداری به‌کارگرفته شده توسط دیگر مدیران را نیز کشف کند. همچنین به‌نظر می‌رسد شرکت‌های دارای مدیران با دانش و تجربه مالی به‌علت آشنایی با استانداردهای حسابداری نسبت به سایر شرکت‌ها، صورت‌های مالی با کیفیت‌تری داشته باشند. باتواح و همکاران[۲۱] (۲۰۱۵؛ ۱۰۱۷)، بیان می‌کنند که دانش مالی، توانایی مدیران عامل را در مواجهه بـا موضوعات پیچیده حسابداری افزایش داده و درصد خطاهای ارتکابی، برآورد و قضاوت اشتباه را کاهش می‌دهد. این توانایی، زمان آماده‌سازی مدارک حسابداری صاحبکار را کمتر و زمان مورد نیاز برای انجام حسابرسی را کاهش می‌دهد، زیرا تقلب و خطاها کاهش می‌یابد. همچنین شرکت‌های اداره شده توسط مدیرعاملان با دانش مالی، از سیاست‌های مالی برتر (ماتسوناگا و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۱)، کاهش تحریفات عمده و افزایش سودآوری (کاستودیو و میتزجر[۲۲]، ۲۰۱۴؛ ۱۵۲) بهره می‌برند. بر اساس یافته‌های پژوهشگران، دانش مالی مدیرعاملان موجب کاهش ریسک عملکرد ضعیف شرکت و ریسک عدم موفقیت آن (کاستودیو و متزجر، ۲۰۱۴؛ ۱۲۵) و در نتیجه کاهش ریسک تجاری صاحبکار می‌شود و ثانیاً دانش مالی مدیرعاملان با ارتقای شفافیت گزارشگری مالی مرتبط است (ماتسوناگا و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۱) و ایـن امر موجب کاهش گزارشگری مالی نادرست می‌شود. بنابراین، مدیرعاملانی که تجربه مالی دارند، در مقایسه بـا همتایانشان که تجربه مالی ندارند، نکات دقیق‌تری در راهنمایی سود به تحلیل‌گران ارائه می‌دهند و احتمال اینکه سودها را دستکاری کنند، کمتر است. علاوه بر این، احتمال اینکه این مدیران نقش افشاء مالی را در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران و کمک به شرکت‌کنندگان در بازار برای ارزیابی ارزش شرکت درک کنند، بیشتر است (ماتسوناگا و یئونگ، ۲۰۰۸؛ ۲۴). ماتسوناگا و همکاران (۲۰۱۳؛ ۲) بیان می‌کنند، شرکت-هایی که توسط مدیرعامل باسابقه مالی اداره می‌شوند، معمولاً گزارش‌های محافظه‌کارانه‌تری ارائه

www.SID.ir

Archive of SID

می‌دهند و همیشه از فرض احتیاط حسابداری پیروی می‌کنند که این باعث می‌گردد آنها را به ناظرانی برای بهتر شدن شفافیت گزارش‌گری مالی تبدیل نماید. نتایج جیانگ و همکاران (۲۰۱۳؛ ۱۳۴) نشان می‌دهد که مدیران عامل دارای دانش مالی سودهای دقیق‌تری را نسبت به همتایان خود منتشر کرده و در ارائه گزارشگری مالی با شفافیت بالاتر، مصصم‌تر هستند. همچنین مبانی نظری دیگری در ارتباط با رابطه دانش مالی مدیران عامل با شفافیت صورت‌های مالی وجود دارد که خلاف با آنچه در بالا تشریح شد، می‌باشد. باید گفت، با توجه به اینکه تجربه و تخصص قبلی مدیران تصمیمات شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آنجایی که مدیران با دانش مالی، با استانداردهای مالی و تکنیک‌های مختلف مدیریت سود و همچنین کیفیت افشا بیشتر آشنا هستند، لذا توانایی بیشتری برای دستکاری و مدیریت سود دارند ولی ممکن است انگیزه لازم برای انجام این کار را نداشته باشند.

اتردج و همکاران[۲۳] (۲۰۱۸؛ ۲)، به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی دارای تجربه و دانش حسابداری از این تجربه و دانش برای کاهش عدم تقارن اطلاعات در عرضه عمومی اولیه استفاده می‌کنند که منجر به قیمت‌گذاری کمتر از حد در زمان عرضه عمومی اولیه می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که مدیران اجرایی با تجربه مبتنی بر حسابداری، با عملکرد بهتر بلندمدت پس از عرضه عمومی اولیه عمل می‌کنند.

گونوپولوس و فام (۲۰۱۷؛ ۱)، در تحقیق خود با عنوان مدیران‌عامل با دانش مالی و مدیریت سود در زمان عرضه اولیه عمومی بیان کردند که، مدیران‌عامل با دانش مالی به احتمال کمتر نسبت به مدیران‌عامل فاقد دانش مالی در زمان عرضه عمومی اولیه درگیر مدیریت سود می‌شوند.

لی و همکاران (۲۰۱۶؛ ۱۱۷)، در مطالعه خود نشان دادند که درصد اعضای تیم مدیریت ارشد دارای مدرک کارشناسی ارشد به‌طور منفی با فعالیت‌های مدیریت سود واقعی رابطه دارد، در-حالی‌که درصد اعضای تیم مدیریت ارشد دارای گواهی حسابداران رسمی با فعالیت‌های مدیریت سود واقعی دارای رابطه‌ای مثبت است. همچنین دریافته شد که تیم مدیریت ارشد دارای مدرک کارشناسی ارشد باعث افزایش عملکرد شرکت‌ها شده و در نتیجه انگیزه این مدیران را برای مدیریت سود کاهش می‌دهد. علاوه‌براین، تأثیر تخصص تیم مدیریت ارشد در فعالیت‌های مدیریت سود واقعی با افزایش سن شرکت ضعیف‌تر می‌گردد.

جیانگ و همکاران (۲۰۱۳؛ ۱۳۴)، در پژوهشی تأثیر تجربه مالی مدیرعامل بر مدیریت سود را در کشور چین مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می‌دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری رابطه‌ای وجود ندارد. آنها بر اساس یافته‌های خود، نتیجه گرفتند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق‌تر و صورت‌های مالی با کیفیت‌تری را ارائه می‌کنند.

www.SID.ir

Archive of SID

کریشنا و همکاران (۲۰۰۹؛ ۱)، در تحقیقی به بررسی اینکه آیا دانش مالی و حسابداری مدیران ارشد اجرایی مدیریت سود را کاهش می‌دهد، پرداختند. آنها با بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های استاندارد اند و پورز دریافتند که مدیران عامل و مدیران مالی با دانش حسابداری و مالی سود را بیشتر از مدیران عامل و مدیران مالی بدون چنین دانشی مدیریت می‌کنند. طبق یافته‌های پژوهش فوق، مدیریت سود توسط مدیران ارشد اجرایی با دانش حسابداری–مالی بیشتر از طریق اقلام تعهدی و همچنین فعالیت‌های واقعی مانند تولید بیش‌ازحد کالا، کاهش هزینه‌های اختیاری مانند تبلیغات و هزینه‌های تحقیق و توسعه، دستکاری فروش و تغییر هزینه‌های اصلی به موارد خاص صورت می‌گیرد.

لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶؛ ۸۱)، در مطالعه خود رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق، جامعه آماری شامل ۱۲۹ شرکت و دوره مطالعه سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ را دربرمی‌گیرد. بر اساس نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش، آنها دریافتند که هرچه تعداد سال‌های حضور مدیرعامل در شرکت افزایش یابد، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتر می‌شود. با بررسی فرضیه دوم پژوهش مشاهده شد که شرکت‌هایی که مدیرعامل آنها از دانش مالی برخوردارند، نسبت به سایر شرکت‌ها حق‌الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل تکمیلی پژوهش نیز مشخص شد اثر همزمان دانش مالی و دوره تصدی مدیرعامل بر حق‌الزحمه حسابرسی منفی و معنادار است؛ به این مفهوم که دانش مالی مدیرعامل یکی از عوامل مهم برای حسابرسان در ارزیابی ریسک حسابرسی است.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵؛ ۳۷)، در تحقیق خود به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود، پرداختند. جهت انجام این پژوهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی به‌صورت جداگانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۰ شرکت) پرداخته شد. نوع مدرک تحصیلی به‌عنوان معیاری جهت اندازه‌گیری دانش مالی مدیرعامل در نظر گرفته شده است. جهت تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره ترکیبی–تلفیقی و همچنین آزمون برابری میانگین استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت براساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تأثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی‌داری بین مدیریت سود مبتنی براقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

با توجه به ادبیات نظری و پیشینه تجربی مطرح شده، فرضیه دوّم این تحقیق به‌شرح زیر تدوین می‌گردد:

www.SID.ir

Archive of SID

فرضیه دوّم پژوهش: دانش مالی مدیران عامل اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

همچنین در راستای تجزیه و تحلیل تکمیلی پژوهش حاضر، حال این سؤال مطرح می‌شود که وجود همزمان دو ویژگی توانایی و دانش مالی در مدیرعامل چه تأثیری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. برای پاسخگویی به این سوال، فرضیه سوّم تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه سوّم پژوهش: شهرت و امنیت شغلی مدیران عامل به‌صورت همزمان اثر معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

۳-روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع نیمه‌تجربی در حوزه تحقیقات توصیفی-رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌هاست. برای انجام این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است، که با توجه به شرایط فوق همگن شده است: ۱. شرکت‌های موردنظر باید در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و نام آنها در تابلوی قیمت سهام درج شده باشد. این شرکت‌ها باید تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس باشند. ۲. سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفند ماه باشد. ۳. این شرکت‌ها نباید در طول دوره زمانی تحقیق (۱۳۹۵-۱۳۸۹) پایان سال مالی خود را تغییر داده باشند. ۴. شرکت جزو بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه-گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشند. ۵. در این تحقیق برای محاسبه توانایی مدیران از روش تحلیل پوششی داده‌ها استفاده گردیده است. شرط استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها این است که حداقلِ تعداد شرکت‌های موجود در هر صنعت نباید از دو برابر مجموع تعداد متغیرهای ورودی و خروجی در محاسبه کارایی کمتر باشد. با توجه به این‌که مجموع تعداد متغیرهای ورودی و خروجی مورد نیاز برای محاسبه کارایی طبق رابطه ۱، عدد ۵ است، در نتیجه صنعت‌هایی که شرکت‌های واقع در آن پس از اعمال محدودیت‌های بالا به کمتر از ۱۰ شرکت رسیده است، در نظر گرفته نشده‌اند. با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۱۰ شرکت برای آزمون فرضیه تحقیق در نظر گرفته شدند. در این پژوهش به‌دلیل کنترل‌شدن اثرات سال و صنعت، برازش مدل از نوع مقطعی خواهد بود؛ لذا نیازی به انجام آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن جهت تفکیک اثرات مشترک، ثابت و تصادفی نیست. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز شرکت‌ها از طریق سایت‌های کدال و شرکت مدیریت فناوری بورس تهران گردآوری شده و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام گرفته است. لازم به ذکر است برای محاسبه کارایی شرکت‌ها از نرم افزار DEAP استفاده گردیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

۳-۱-مدل آزمون فرضیه‌ها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های زیر استفاده می‌گردد:

مدل فرضیه اوّل:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Ability_{i.t} + \propto_2 Tenure_{i.t} + \propto_3 CAge_{i.t} + \propto_4 Owner_{i.t} + \propto_5 Size_{i.t} + \propto_6 BTM_{i.t} + \propto_7 FAge_{i.t} \propto_8 AuditQual_{i.t} + \propto_9 SaleGr_{i.t} + \sum_{k=10}^{16} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=17}^{22} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad \text{(مدل ۱)}$$

مدل فرضیه دوّم:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Expert_{i.t} + \propto_2 Tenure_{i.t} + \propto_3 CAge_{i.t} + \propto_4 Owner_{i.t} + \propto_5 Size_{i.t} + \propto_6 BTM_{i.t} + \propto_7 FAge_{i.t} + \propto_8 AuditQual_{i.t} + \propto_9 SaleGr_{i.t} + \sum_{k=10}^{16} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=17}^{22} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad \text{(مدل ۲)}$$

مدل فرضیه سوّم:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Ability_{i.t} + \propto_2 Expert_{i.t} + \propto_3 Ability_{i.t} * Expert_{i.t} + \propto_4 Tenure_{i.t} + \propto_5 CAge_{i.t} + \propto_6 Owner_{i.t} + \propto_7 Size_{i.t} + \propto_8 BTM_{i.t} + \propto_9 FAge_{i.t} + \propto_{10} AuditQual_{i.t} + \propto_{11} SaleGr_{i.t} + \sum_{k=12}^{18} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=19}^{24} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad \text{(مدل ۳)}$$

تعریف عملیاتی متغیرهای موجود در سه مدل فوق به شرح زیر می‌باشد.

۳-۲-نحوه اندازه‌گیری متغیرها

۳-۲-۱-متغیر وابسته پژوهش

$Trans_{i,t}$: برابر است با شفافیت گزارشگری مالی که طبق نگاره ۱ اندازه‌گیری می‌گردد. شفافیت اصطلاحی است که توسط افراد مختلف به گونه متفاوتی تفسیر می‌گردد. عده‌ای از آن به‌عنوان مفهوم واحدی مانند اقلام افشاء شده در گزارش فعالیت سالیانه تعبیر می‌کنند (سنگوپتا[۲۴]، ۱۹۹۸؛ ۴۶۲). عده‌ای معتقدند، شفافیت به‌معنای انتشار اطلاعات از کانالی به‌غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالیانه مانند کانال مطبوعات است (گرنون و میک[۲۵]، ۱۹۹۷؛ ۸۱)، اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تأکید می‌کنند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴؛ ۲۰۷). در این پژوهش به پیروی از بوشمن و همکاران (۲۰۰۴؛ ۲۰۷) برای سنجش شفافیت گزارشگری مالی از الگوی چند بُعدی که توسط یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳؛ ۱۷) مطابق با شرایط محیطی ایران بومی‌سازی شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

نگاره ۱. الگوی پیشنهادی سنجش شفافیت گزارشگری مالی

معیارهای گزارشگری شرکت	معیارهای کسب اطلاعات خصوصی
مالی(۲۵ شاخص) راهبری شرکتی (۹ شاخص) ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت (۱ شاخص) به‌موقع بودن (۱ شاخص) قابلیت اعتماد حسابرس (۱ شاخص) کیفیت سود (۱ شاخص) دقت پیش‌بینی سود مدیران (۱ شاخص)	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی (۱ شاخص) میزان تأمین منابع از محل بدهی (۱ شاخص)

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳؛ ۱۷)

شفافیت گزاشگری مالی (TRANS) در این پژوهش، به چهار عامل تفکیک می‌گردد. معیارهای مالی، راهبری شرکتی و ریسک نخستین عامل شفافیت را می‌سازند؛ که از آن با عنوان اطلاعات افشاء شده به عموم یاد خواهد شد و بُعدی از شفافیت شرکت را معرفی می‌کند که بر مبنای آن، اطلاعاتی در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک به عموم افشاء می‌شود. این عامل بر مقدار اطلاعات افشاء شده به عموم متمرکز بوده و کیفیت افشاء را مدنظر قرار نمی‌دهد. اندازه‌گیری این ابعاد مبتنی بر پاسخ به سی و پنج سوال است که در نگاره ۲ به آن اشاره شده است.

نگاره ۲. مقدار اطلاعات افشاء شده به عموم

ردیف	معیارها	ردیف	معیارها
۱	چشم‌انداز و ماموریت شرکت	۱۹	ساختار مالکیت شرکت‌های وابسته
۲	استراتژی‌های شرکت	۲۰	افشای معاملات با اشخاص وابسته
۳	توصیف نوع کسب و کار شرکت	۲۱	افشای نام موسسه حسابرسی
۴	روند تغییر صنعت	۲۲	افشای گزارش حسابرس اطلاعات
۵	بخش‌های تجاری به تفکیک خطوط	۲۳	افشای حق‌الزحمه حسابرسان
۶	گزارش سهم بازار شرکت	۲۴	حق‌الزحمه خدمات غیر حسابرسی
۷	مقدار فیزیکی محصولات	۲۵	افشای اطلاعات عمومی شرکت
۸	مشخصات دارایی‌های شرکت	۲۶	توضیحات انواع سهام و سهامداران
۹	افشای شاخص‌های کارایی	۲۷	اطلاعات در مورد سهامداران عمده
۱۰	طرح‌های سرمایه‌گذاری سال آتی	۲۸	ترکیب و ساختار هیئت مدیره
۱۱	نقش کلیدی ذینفعان	۲۹	تعداد جلسات هیئت مدیره
۱۲	انتشار گزارش‌های میان دوره‌ای	۳۰	مسائلی در صلاحیت هیئت مدیره
۱۳	رویه‌ها و استانداردهای حسابداری	۳۱	پیگیری تصمیمات هیئت مدیره
۱۴	آگاهی از رویه‌ی ارزیابی دارایی‌ها	۳۲	فهرست کمیته و اعضای هیئت مدیره
۱۵	گزارش استهلاک دارایی‌های ثابت	۳۳	جبران خدمات اعضای هیئت مدیره
۱۶	تهیه صورت‌های مالی تلفیقی	۳۴	جبران خدمات مدیران و کارمندان
۱۷	ارزیابی کیفیت گزارش هیئت مدیره	۳۵	انواع ریسک مرتبط با شرکت
۱۸	بندهای شرط مرتبط با عدم اطمینان	–	–

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳؛ ۲۱)

www.SID.ir

Archive of SID

دومین عامل شفافیت که عامل کیفیت اطلاعات نامیده می‌شود؛ مشتمل بر کیفیت سود و صحت پیش‌بینی سود مدیران است و به کیفیت افشای اطلاعات مالی می‌پردازد. این عامل به صورت معمول، مکمّل عامل اول است. به منظور اندازه‌گیری کیفیت سود از قدرمطلق باقیمانده مدل تعدیل شده جونز طبق ساختار مدل ۴ استفاده می‌شود:

مدل (۴)

$$\frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = a_0 \left(\frac{1}{TA_{i,t-1}}\right) + a_1 \left(\frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{TA_{i,t-1}}\right) + a_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}}\right) + \varepsilon_{i,t}$$

$TAC_{i,t}$: برابر است با سود خالص منهای جریان نقد عملیاتی. با توجه به اینکه مدل جونز تعدیل شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده است باید به بخش فعالیت‌های عملیاتی صورت جریان وجه نقد ایران، بخش بازده سرمایه‌گذاری ها و سود پرداختی بابت تأمین مالی به‌جز سود سهام پرداختی و بخش مالیات بر درآمد را اضافه نمود.

$TC_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های سال قبل.

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد شرکت نسبت به سال قبل.

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در خالص حساب‌های دریافتنی نسبت به سال قبل.

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

$\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده مدل.

جهت سنجش معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران، شاخص‌های ذیل محاسبه می‌شوند: شاخص اولیه صحت پیش‌بینی، قدرمطلق اشتباه پیش‌بینی که در عدد ۱- ضرب شده و با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. اشتباه پیش‌بینی برابر است با میانگین پیش‌بینی سالیانه مدیران منهای سود واقعی. شاخص سوگیری، مقدار اشتباه پیش‌بینی که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. شاخص سود غیر منتظره (سود هر سهم منهای سود هر سهم در سال مالی قبل) که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. سپس شاخصی به نام صحت پیش‌بینی سود مدیران محاسبه می‌شود که برابر است با مقدار باقی‌مانده رگرسیون متغیر شاخص اولیه صحت پیش‌بینی بر روی متغیرهای شاخص سوگیری و شاخص سود غیرمنتظره. تنها متغیر موثر بر عامل سوم، میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی است و نشانگر قدرت این دسته از سرمایه‌گذران در دستیابی به اطلاعات موردنظر آنهاست که عموماً مازاد بر اطلاعاتی است که به عموم افشاء است. این متغیر اطلاعات محرمانه نامیده می‌شود و برابر است با میزان مالکیت سهام شرکت توسط شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه. متغیر به‌موقع بودن افشاء برابر است با تفاوت بین پایان سال مالی شرکت و تاریخی که شرکت‌ها برای اولین بار، سود سال مالی خود را در سایت‌های

www.SID.ir

Archive of SID

متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار گزارش کرده‌اند. قابلیت اعتماد حسابرس برابر است با امتیاز کنترل کیفیت موسسات حسابرسی که توسط جامعه حسابداران رسمی ایران ارائه می‌شود؛ که در این پژوهش برای موسسات حسابرسی رتبه الف عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. میزان تأمین منابع شرکت از محل بدهی مساوی است با نسبت بدهی‌های بلند مدت بر مجموع دارایی‌ها. این سه متغیر، عامل چهارم شفافیت را شکل می‌دهند. لازم به ذکر است برای تعیین وزن هر یک از عوامل شفافیت، ابتدا داده‌های حاصل از نظر کارشناسان و خبرگان را جمع‌آوری کرده و سپس از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی برای تجزیه و تحلیل و وزن دهی آنها استفاده گردیده است. لازم به ذکر است، تکنیک تحلیل سلسله مراتبی یکی از روش‌های پرکاربرد برای رتبه‌بندی و تعیین اهمّیت عوامل است که با استفاده از مقایسات زوجی گزینه‌ها به اولویت‌بندی هر یک از معیارها می‌پردازد. وزن هر یک از عوامل شفافیت بر طبق نظر کارشناسان و خبرگان که تعداد ۱۹ نفر از اساتید و حسابرسان رسمی را تشکیل می‌دهند، در نگاره ۳ نشان داده شده است.

نگاره ۳. وزن معیارهای شفافیت گزارشگری مالی

کیفیت اطلاعات		سایر عوامل		شفافیت کل	
معیار	وزن	معیار	وزن	معیار	وزن
کیفیت سود	۰/۶۱	به موقع	۰/۲۶	مقدار اطلاعات	۰/۱۵
دقت پیش‌بینی سود مدیران	۰/۳۹	قابلیت اعتماد حسابرس	۰/۴۳	کیفیت اطلاعات	۰/۳۰
–	–	میزان تأمین منابع از محل بدهی	۰/۳۱	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	۰/۲۷
–	–	–	–	سایر عوامل	۰/۲۸
جمع	۱	جمع	۱	جمع	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۲-۲-متغیرهای مستقل پژوهش

$Expert_{i,t}$: برابر است با دانش مالی مدیران عامل. طبق تحقیق باتواح و همکاران (۲۰۱۵؛ ۱۰۰۹) مدیران عاملی دارای دانش مالی می‌باشند که معلومات حسابداری داشته یا تجارب قبلی در این زمینه داشته باشند، یعنی در گذشته حسابرس، مدیرمالی، رئیس حسابداری و یا معاون مدیرعامل شرکت در بخش مالی یا حسابداری بوده‌اند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری دانش مالی مدیران عامل از تعریف عمومی‌تر که در منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار آورده شده، استفاده می‌گردد. در این تعریف افرادی دارای دانش مالی می‌باشند که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) را داشته باشند. لازم به ذکر است، اطلاعات مربوط به نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل از طریق گزارش‌های واقع در سایت کدال،

www.SID.ir

Archive of SID

وب‌سایت شرکت‌های مورد بررسی و همچنین مکاتبه با شرکت‌های مورد مطالعه جمع‌آوری شده است.

$Ability_{i,t}$: برابر است با توانایی مدیران. در این پژوهش برای اندازه‌گیری توانایی‌های مدیریت، کارایی شرکت‌ها به‌کمک روش تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه می‌شود. تحلیل پوششی داده‌ها، کارایی نسبی واحدهایی که ورودی‌ها و خروجی‌های مشابهی دارند را اندازه‌گیری می‌کند. کارایی یا ناکارایی هر واحد تصمیم گیرنده به عملکرد آن واحد در انتقال ورودی‌ها به خروجی هایش در مقایسه با سایر واحدها در حوزه‌ای خاص، بستگی دارد. پژوهش حاضر، مشابه روش یاد شده برای بیان خروجی شرکت از متغیر فروش شرکت استفاده می‌کند و برای ورودی از دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های اداری، عمومی و فروش بهره می‌برد (دمریجان و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۲۳۴). در مدل دمریجان و همکارانش (۲۰۱۲؛ ۱۲۳۴) برای ورودی از مخارج تحقیق و توسعه، خالص اجاره عملیاتی و سرقفلی هم استفاده شده است که به دلیل دسترسی نداشتن به داده‌های آن در ایران، این متغیر در مدل لحاظ نشده است. رابطه ۱ و مدل ۵ برای سنجش کارایی شرکت استفاده می‌شود.

رابطه (۱)
$$\max_{v}\theta=\frac{Sales_{i,t}}{v_1CoG_{i,t}+v_2SG\&A_{i,t}+v_3PPE_{i,t}+v_4OtherI\ ntan_{i,t}}$$

در این رابطه، $Sales_{i,t}$ درآمد حاصل از فروش برای شرکت i در سال t؛ $CoG_{i,t}$ بهای تمام شده کالای فروش رفته برای شرکت i در سال t؛ $SG\&A_{i,t}$ هزینه های اداری، عمومی و فروش برای شرکت i در سال t؛ $PPE_{i,t}$ خالص دارایی‌های ثابت برای شرکت i در سال t؛ $OtherIntan_{i,t}$ دارایی‌های نامشهود برای شرکت i در سال t و $\max_{v}\theta$ کارایی شرکت است.

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های خاص شرکتی و توانایی مدیر است، پس از حذف ویژگی‌های خاص شرکتی، مقدار باقی‌مانده مدل ۵ بیان کننده توانایی‌های مدیر است.

مدل (۵)
$$Efficience_{i,t}=\beta_0+\beta_1Ln(TA_{i,t})+\beta_2MS_{i,t}+\beta_3PFCF_{i,t}+\beta_4Ln(Age_{i,t})+\beta_5FCI_{i,t}+\epsilon_{i,t}$$

که در این مدل، $Efficience_{i,t}$ بیان کننده امتیاز کارایی شرکت از طریق روش تحلیل پوششی داده‌ای، $TA_{i,t}$ معرف جمع دارایی‌ها و $MS_{i,t}$ سهم از بازار است که برای شرکت‌ها به شرح زیر بدست می‌آید:

$$MS_{i,t}=\frac{\text{مقدار فروش در پایان سال t}}{\text{کل فروش صنعت در پایان سال t}}$$

$PFCF_{i,t}$، بیانگر جریان‌های نقدی آزاد مثبت است. اگر شرکتی جریان‌های نقدی مثبت داشته باشد، جریان‌های نقدی آزاد برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش برای اندازه‌گیری جریان نقدی آزاد از شاخص لن و پولسن[۲۶] (۱۹۸۹) به‌شرح زیر استفاده شده است:

www.SID.ir

Archive of SID

جریان‌های نقدی آزاد=سود عملیاتی+هزینه استهلاک-مالیات بر درآمد پرداختی-هزینه بهره پرداختی-سود سهام پرداختی

$Age_{i,t}$، بیانگر تعداد سال‌های فعالیت شرکت از سال تأسیس؛

$FCI_{i,t}$، نماد ارز خارجی و متغیر مصنوعی است، در صورتی‌که شرکت صادرات داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

۳-۲-۳-متغیرهای کنترلی پژوهش

$Tenure_{i,t}$: برابر است با دوره تصدی مدیران عامل. دوره تصدی برای هر سال برابر است با لگاریتم تعداد سال‌هایی که از زمان تصدی آن به‌عنوان مدیرعامل می‌گذرد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۱۲۶).

$CAge_{i,t}$: برابر است با سن مدیران عامل که از طریق لگاریتم تعداد سال‌هایی که از عمر مدیران عامل می‌گذرد، محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است، در این تحقیق سن مدیران عامل با همکاری سازمان‌های بورس اوراق بهادار تهران و ثبت احوال کشور استخراج و مورد استفاده قرار گرفته است (هام و همکاران[۲۷]، ۲۰۱۸؛ ۲۶۰).

$Owner_{i,t}$: برابر است با تعداد سهام مدیران عامل تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت. مالکیت سهام مدیرعامل که از طریق میزان مالکیت توسط خود مدیرعامل و همچنین میزان مالکیت توسط شخص حقوقی که مدیرعامل نماینده آن می‌باشد، محاسبه می‌گردد (سرلک و کلوانی، ۱۳۹۴؛ ۱۵۷).

$Size_{i,t}$: برابر است با اندازه شرکت که از طریق لگاریتم دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد (صبوحی و محمدزاده، ۱۳۹۴؛ ۱۳۷).

$BTM_{i,t}$: برابر است با ارزش دفتری تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی که هر دو در پایان سال محاسبه می‌شوند (هام و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲۶۰).

$FAge_{i,t}$: برابر است با سن شرکت، که لگاریتم تعداد سال‌هایی است که از زمان تأسیس شرکت می‌گذرد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۲؛ ۹۷).

$AuditQual_{i,t}$: برابر است با کیفیت حسابرسی. در این تحقیق اگر حسابرسی شرکت را سازمان حسابرسی بر عهده داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (عنایتی و پاک مرام، ۱۳۹۵؛ ۱۶۱).

$SaleGr_{i,t}$: برابر است با رشد فروش شرکت که از تفاوت مبلغ فروش سال جاری و سال قبل که بر فروش سال قبل تقسیم شده، بدست می‌آید (عنایتی و پاک مرام، ۱۳۹۵؛ ۱۶۱).

www.SID.ir

Archive of SID

٤-یافته‌های پژوهش

٤-١-آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در این تحقیق برای جمع‌آوری، خلاصه‌کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی از آمار توصیفی استفاده می‌شود. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای متغیرهای تحقیق به‌منظور تحلیل توصیفی متغیرها قبل از آزمون فرضیه به‌کار گرفته می‌شوند. این اقدام به‌منظور ارائه دیدگاهی کلی نسبت به جامعه آماری و شناخت بیشتر آن صورت می‌گیرد. در نگاره ۴ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

نگاره۴. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شفافیت	۰/۵۰۹	۰/۵	۰/۱۰۱	۰/۱۲	۰/۷۲
توانایی	۶/۷۷e-۱۱	-۰/۰۰۲	۰/۱۳۲	-۰/۵۴	۰/۸۶
دوره تصدی	۰/۳۳	۰/۳۰۱	۰/۲۷۲	۰	۱/۰۷
سن مدیر	۱/۷۱	۱/۷۱	۰/۰۶۸	۱/۸۸	۱/۴۷
مالکیت سهام	۰/۲۳	۰/۰۹	۰/۲۷۹	۰	۰/۹۰۵
اندازه شرکت	۶/۱۶	۶/۰۵	۰/۶۵	۴/۴۴	۸/۳۱
ارزش دفتری به بازار	۰/۵۷	۰/۴۷	۰/۶۴۴	-۵/۹۵	۶/۶۱
سن شرکت	۱/۵۳	۱/۵۶	۰/۱۷۳	۰/۷۷	۱/۸۳
رشد فروش	۰/۲۰۵	۰/۱۶	۰/۴۸۳	-۰/۶۲	۷/۷۰۵
متغیر موهومی	فراوانی (درصد)				
دانش مالی	۲۰۷ (۰/۲۸)				
کیفیت حسابرسی	۲۰۰ (۰/۲۵)				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

٤-٢-آمار استنباطی

٤-٢-١-نتایج آزمون فرضیه اوّل پژوهش

فرضیه اوّل این‌گونه مطرح شد که توانایی مدیران عامل اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. در این تحقیق بر مبنای مدل‌های رگرسیونی ۱، ۲ و ۳، اثرات سال و صنعت کنترل شده و برازش مدل از نوع مقطعی خواهد بود؛ لذا نیازی به انجام آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن جهت تفکیک اثرات مشترک، ثابت و تصادفی نیست. قبل از برازش نهایی مدل تحقیق، ابتدا پیش‌فرض‌های کلاسیک رگرسیون مانند ناهمسانی واریانس اجزای خطا، خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال و هم‌خطی متغیرهای توضیحی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورتی که تعداد مقاطع از دوره زمانی بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که اجزای اخلال دارای ناهمسانی واریانس باشند. در نگاره ۵ نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال ارائه شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

نگاره ۵. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۰/۹۴	۰/۳۳۱	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۶/۵۲	۰/۰۴۳	وجود خودهمبستگی مرتبه اوّل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این تحقیق بعد از کنترل اثرات سال و صنعت، برازش مدل رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام گردیده، که موجب رفع مشکل خودهمبستگی مرتبه اوّل در بازه مورد مطالعه گردید. نگاره ۶، نتایج رگرسیون مدل مربوط به فرضیه اوّل پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره ۶. نتایج تخمین مدل فرضیه اوّل

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری	عامل تورم واریانس
توانایی	۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۸۴۹	۱/۰۴
دوره تصدی	۰/۰۰۹	۰/۵۷	۰/۵۶۹	۱/۱۴
سن مدیر	-۰/۰۳۵	-۰/۴۱	۰/۶۸۲	۱/۱۰
مالکیت سهام	۰/۰۱۶	۰/۶۴	۰/۵۲۳	۱/۱۶
اندازه شرکت	۰/۰۴۳	۴/۴۶	۰/۰۰۰	۱/۳۵
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۹	۱/۳۴	۰/۱۸۳	۱/۱۳
سن شرکت	-۰/۰۲۵	-۰/۵۶	۰/۵۷۵	۱/۱۲
کیفیت حسابرسی	۰/۰۲۵	۱/۷۶	۰/۰۸۲	۱/۲۳
رشد فروش	-۰/۰۰۱	-۰/۲۲	۰/۸۲۹	۱/۱۲
ضریب ثابت مدل	۰/۳۰۵	۲/۰۸	۰/۰۴۰	-
اثر سال	کنترل شد			
اثر صنعت	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۴۷			
آماره F مدل (سطح معناداری)	۷/۰۷ (۰/۰۰۰)			
مشاهدات	۷۴۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این پژوهش برای بررسی هم‌خطی متغیرهای توضیحی از عامل تورم واریانس استفاده شده است؛ همچنان‌که در نگاره ۶ مشاهده می‌شود کلیه عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ می‌باشد که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق می‌باشد. مقدار و سطح معنی‌داری آماره F مدل به‌ترتیب ۷/۰۷ و ۰/۰۰۰ می‌باشد و بیانگر آن است که مدل تحقیق به‌خوبی برازش شده و از معنی‌داری مناسبی برخوردار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۲۴۷ می‌باشد و بیانگر آن است که ۲۴/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. براساس نتایج نگاره ۶، توانایی مدیران عامل، دارای ضریب ۰/۰۱ و سطح معنی‌داری ۰/۸۴۹ است. بنابراین همان‌طور که انتظار داشتیم بین این متغیر و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است. در نتیجه فرضیه تحقیق که رابطه

www.SID.ir

Archive of SID

مثبت بین این دو متغیر را پیش‌بینی می‌کرد، تأیید نمی‌شود. همچنین براساس نگاره ۶، بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد؛ البته این رابطه مثبت در متغیر کیفیت حسابرسی ضعیف می‌باشد. براساس نگاره ۶، بین متغیرهای کنترلی دوره تصدی مدیران عامل، سن مدیران عامل، مالکیت سهام مدیران عامل، نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، سن شرکت و رشد فروش با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری مشاهده نگردیده است.

٤-۲-۲-نتایج آزمون فرضیه دوّم پژوهش

فرضیه دوّم این‌گونه مطرح شد که دانش مالی مدیران عامل اثر معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. در نگاره ۷، نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال ارائه شده است.

نگاره ۷. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۱/۷۵	۰/۱۸۵	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۸/۱۴	۰/۰۲۹	وجود خودهمبستگی مرتبه اوّل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به اینکه برازش مدل رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام شد، موجب رفع مشکل خودهمبستگی مرتبه اوّل در بازه مورد بررسی می‌گردد. نگاره ۸، نتایج رگرسیون مدل مربوط به فرضیه دوّم پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره ۸.نتایج تخمین مدل فرضیه دوّم

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری	عامل تورم واریانس
دانش مالی	-۰/۰۱۵	-۱/۰۷	۰/۲۸۷	۱/۲۰
دوره تصدی	۰/۰۰۸	۰/۴۳	۰/۶۶۷	۱/۱۴
سن مدیر	-۰/۰۴۶	-۰/۴۹	۰/۶۲۳	۱/۱۲
مالکیت سهام	۰/۰۰۸	۰/۳۴	۰/۷۳۴	۱/۱۹
اندازه شرکت	۰/۰۴۴	۴/۵۰	۰/۰۰۰	۱/۳۶
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۷	۰/۹۵	۰/۳۴۲	۱/۱۵
سن شرکت	-۰/۰۲۳	-۰/۴۸	۰/۶۲۹	۱/۱۱
کیفیت حسابرسی	۰/۰۲۵	۱/۶۹	۰/۰۹۴	۱/۲۳
رشد فروش	-۰/۰۰۲	-۰/۴۶	۰/۶۴۵	۱/۱۱
ضریب ثابت مدل	۰/۳۳۵	۲/۰۸	۰/۰۴۰	-
اثر سال	کنترل شد			
اثر صنعت	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۴۳			
آماره F مدل (سطح معناداری)	۶/۰۱ (۰/۰۰۰)			
مشاهدات	۶۸۸			

www.SID.ir

Archive of SID

در این پژوهش برای بررسی هم‌خطی متغیرهای توضیحی از عامل تورم واریانس استفاده شده است؛ همچنان‌که در نگاره ۸ مشاهده می‌شود کلیه عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ می‌باشد که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق می‌باشد. مقدار و سطح معنی‌داری آماره F مدل به‌ترتیب ۶/۰۱ و ۰/۰۰۰ می‌باشد و بیانگر آن است که مدل تحقیق به‌خوبی برازش شده و از معنی‌داری مناسبی برخوردار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۲۴۳ می‌باشد و بیانگر آن است که ۲۴/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. براساس نتایج نگاره ۸، دانش مالی مدیران عامل، دارای ضریب ۰/۰۱۵- و سطح معنی‌داری ۰/۲۸۷ است؛ بنابراین بین این متغیر و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط منفی مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است. در نتیجه فرضیه تحقیق که رابطه بین این دو متغیر را پیش‌بینی می‌کرد، تأیید نمی‌شود. همچنین براساس نگاره ۸، بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد؛ البته این رابطه مثبت در متغیر کیفیت حسابرسی ضعیف می‌باشد. براساس نگاره ۸، بین متغیرهای کنترلی دوره تصدی مدیران عامل، سن مدیران عامل، مالکیت سهام مدیران عامل، نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، سن شرکت و رشد فروش با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری مشاهده نگردیده است.

٤-۲-۳- نتایج آزمون فرضیه سوّم پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که توانایی مدیرعامل موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی می‌گردد، و همچنین دانش مالی مدیرعامل با کاهش شفافیت گزارشگری مالی همراه است؛ البته این رابطه برای توانایی و دانش مالی مدیرعامل معنادار نگردیده است. حال این سؤال مطرح می‌شود که وجود همزمان این دو ویژگی در مدیرعامل چه تأثیری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد. برای پاسخ به این سؤال به بررسی اثر همزمان توانایی و دانش مالی مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شد. در نگاره ۹، نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال ارائه شده است.

نگاره۹. نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان	۰/۶۶	۰/۴۱۷	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	ولدریج	۵/۷۹	۰/۰۵۲	عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اوّل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نگاره ۱۰ مشاهده می‌شود کلیه عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ می‌باشد که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق می‌باشد. نگاره ۱۰، نتایج رگرسیون مدل مربوط به فرضیهٔ سوّم پژوهش را نشان می‌دهد. سطح معناداری آماره F مدل کمتر از ۵ درصد بوده و این یعنی مدل تحقیق به خوبی برازش شده است. مقدار ضریب تعیین مدل پژوهش بیان می‌کند

www.SID.ir

Archive of SID

که ۲۳/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. با توجه به نتایج رگرسیون نگاره ۱۰، ضریب و سطح معناداری مربوط به متغیر تعامـل توانایی با دانش مالی به‌ترتیب اعداد ۰/۱۴۶ و ۰/۰۰۶ مشاهده شد و ایـن بـدان معناست که اثر همزمان توانایی و دانش مالی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین، از بین متغیرهای کنترلی تنها متغیرهای اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی دارای اثر مثبت و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی می‌باشند.

نگاره ۱۰. نتایج تخمین مدل فرضیه سوّم

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری	عامل تورم واریانس
توانایی	−۰/۰۴۲	−۱/۱۱	۰/۲۶۶	۲/۲۸
دانش مالی	−۰/۰۱۹	−۲/۳۱	۰/۰۲۱	۱/۲۵
توانایی*دانش مالی	۰/۱۴۶	۲/۷۶	۰/۰۰۶	۲/۳۳
دوره تصدی	۰/۰۰۵	۰/۴۲	۰/۶۷۷	۱/۱۶
سن مدیر	−۰/۰۳۹	−۰/۷۴	۰/۴۶۰	۱/۱۲
مالکیت سهام	۰/۰۰۷	۰/۵۷	۰/۵۷۱	۱/۱۹
اندازه شرکت	۰/۰۴۴	۷/۴۵	۰/۰۰۰	۱/۳۶
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۸	۱/۴۸	۰/۱۳۸	۱/۱۵
سن شرکت	−۰/۰۲۰	−۰/۹۷	۰/۳۳۴	۱/۱۱
کیفیت حسابرسی	۰/۰۲۶	۳/۱۳	۰/۰۰۲	۱/۲۵
رشد فروش	−۰/۰۰۲	−۰/۳۱	۰/۷۵۵	۱/۱۲
ضریب ثابت مدل	۰/۳۲۰	۳/۲۰	۰/۰۰۱	–
اثر سال	کنترل شد			
اثر صنعت	کنترل شد			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۳۸			
آماره F مدل (سطح معناداری)	۱۰/۸ (۰/۰۰۰)			
مشاهدات	۶۸۸			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مقدمه پژوهش بیان شد، ویژگی‌های فردی مدیران عامل از جمله توانایی و دانش مالی می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آنها را در سازمان تحت الشعاع قرار داده و از این طریق شفافیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند. نتایج فرضیه اوّل پژوهش نشان داد، بین توانایی مدیرعامل و شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت وجود دارد، اما این رابطه معنادار نگردیده است. نتیجه فرضیه فوق بیانگر این است که توانایی مدیران عامل به تنهایی عاملی تعیین کننده برای شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نمی‌باشد. همچنین در فرضیه دوّم، بین دانش مالی مدیرعامل و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط معناداری مشاهده نشد. نتیجه فرضیه این مطلب را می‌رساند، نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل به تنهایی عاملی تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نیست. در نهایت، نتایج تجزیه و تحلیل تکمیلی پژوهش نشان داد که تأثیر همزمان

www.SID.ir

Archive of SID

توانایی و دانش مالی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی مثبت و معنادار است. این یافتهها نشان می‌دهد، مدیران عاملی که دارای هر دو ویژگی توانایی و دانش مالی باشند، شرکت‌های تحت مدیریت آنها شفافیت گزارشگری مالی بیشتری دارند؛ نتایج با توجه به ادبیات نظری قابل توجیه می‌باشد. با توجه به آنچه در بخش ادبیات نظری گفته شد، توانایی مدیریتی، عملکرد شرکت را تقویت کرده، و نامتقارنی اطلاعات را کاهش می‌دهد. از یک مدیر توانا انتظار می‌رود که هوش، آگاهی و دانش بیشتری داشته باشد تا بتواند استانداردهای حسابداری را درک کرده و با به‌کارگیری آنها در مورد اقلام تعهدی تخمین و قضاوت بهتری را بتواند انجام دهد. این مدیران بهتر می‌توانند از منابع سازمان استفاده کنند یعنی بهره‌وری بالاتری دارند، و در نتیجه کمتر دست به مدیریت سود می‌زنند. همچنین، از آنجا که تخمین‌ها و قضاوت‌های مدیران در رابطه با اقلام تعهدی، با توجه به چشم‌انداز آتی شرکت و صنعت انجام می‌گیرد و مدیران دارای توانایی ذاتی بیشتر، به‌سرعت شناخت کافی از شرکت و صنعت کسب می‌کنند و قدرت درک و تحلیل بیشتری از شرایط حال و آینده شرکت و صنعت دارند، در نتیجه تخمین‌های مدیران توانا در رابطه با اقلام تعهدی از کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود که این امر منجر به ارائه صادقانه سود حسابداری و در نتیجه باعث بهترشدن شفافیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین در توجیه رابطه مثبت بین دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی، نظریه رده بالا نشان می‌دهد که مدیران عامل با دانش مالی، توجه زیادی به قسمت‌های حسابداری و حسابرسی داخلی داشته و نظارت دقیقی در انجام این وظایف محوله دارند. همچنین به‌نظر می‌رسد مدیران با دانش و تجربه مالی به‌علت مدیریت بهتر سیستم حسابداری شرکت و آشنایی با استانداردهای حسابداری، ریسک اشتباهات را در این سیستم کاهش داده و این در نهایت شفافیت گزارشگری مالی شرکت را افزایش می‌دهد. نتیجه فرضیه اوّل با پژوهش‌های حبیب و حسن (۲۰۱۷)، دمرجیان (۲۰۱۷) و (۲۰۱۲)، بوچکای و همکاران (۲۰۱۶) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت ندارد. همچنین نتیجه فرضیه دوّم با پژوهش ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) سازگاری داشته و با پژوهش‌های اتردج و همکاران (۲۰۱۸)، گونوپولوس و همکاران (۲۰۱۷)، لی و همکاران (۲۰۱۶)، جیانگ و همکاران (۲۰۱۳) و کریشنا و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی ندارد.

در این پژوهش از شاخص نوع رشته تحصیلی مدیران عامل برای اندازه‌گیری دانش مالی مدیران عامل استفاده شده است. همانطور که در بخش تعریف عملیاتی متغیرها بیان شد، اطلاعات مربوط به نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل از طریق گزارش‌های واقع در سایت کدال، وب‌سایت شرکت‌های مورد بررسی و همچنین مکاتبه با شرکت‌های مورد مطالعه جمع‌آوری گردیده است. با این وجود، اطلاعات مربوط به نوع مدرک تحصیلی برخی از مدیران عامل یافت نشد. لذا باید توجه داشت نمونه انتخابی پژوهش به‌طور ذاتی دارای مشکل سوگیری به سمت شرکت‌های حاضر در نمونه است. همچنین در این تحقیق برای محاسبه توانایی مدیران از روش تحلیل

www.SID.ir

Archive of SID

پوششی داده‌ها استفاده گردید. شرط استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها این است که حداقلِ تعداد شرکت‌های موجود در هر صنعت نباید از دو برابر مجموع تعداد متغیرهای ورودی و خروجی در محاسبه کارایی کمتر باشد. در نتیجه، در این تحقیق فقط شرکت‌های واقع در صنعت‌های غذایی بجز قند و شکر، فلزات اساسی، شیمیایی، سیمان، آهک و گچ، دارویی و خودرو و قطعات مورد بررسی قرار گرفتند. لذا در استفاده از نتایج پژوهش باید این محدودیت را در نظر داشت. بر طبق نتایج این پژوهش، به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی شفافیت گزارش‌های مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به‌صورت همزمان به دو مقوله توانایی و نوع مدرک تحصیلی مدیران عامل توجه نمایند. علاوه بر این، در زمینه ویژگی‌های مدیرعامل از جمله دانش مالی، پژوهش چندانی در سطح داخلی صورت نگرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ارتباط این ویژگی‌ها بـا سایر موضوعات مالی و حسابرسی، از جمله تقلب و کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار بگیرد.

یادداشت‌ها

1. Cringer and Kinaki
2. Demerjian et al.
3. Andreou et al.
4. Matsunaga et al.
5. Matsunaga and Yeung
6. Bochkay et al.
7. Gounopoulos and Pham
8. Jiang et al.
9. Krishnan et al.
10. Li et al.
11. DeBoskey and Gillett
12. Bushman et al.
13. Francis et al.
14. Habib and Hasan
15. Crossland and Hambrick
16. Hitt and Ireland
17. Barker and Mueller
18. Koyuncu et al.
19. Cullinan and Roush
20. Shen
21. Baatwah et al.
22. Custodio and Metzger
23. Ettredge et al.
24. Sengupta
25. Gernon and Meeks
26. Lehn and Poulsen
27. Ham et al.

کتابنامه

۱. آقایی، محمد علی؛ اعتمادی، حسین؛ حسنی، حسن. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مسئله نمایندگی بر روی چسبندگی هزینه‌ها. *دانش حسابداری مالی*، ۳ (۳)، ۱۱۷-۱۳۶.

۲. بنی مهد، بهمن؛ مرادزاده فرد، مهدی؛ زینالی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۴ (۱۴)، ۹۱-۱۰۸.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه؛ خدایاریگانه، سیما. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش های حسابداری مالی*. ۶ (۳)، ۹۹-۱۱۸.
۴. سرلک، نرگس؛ شیخ الاسلامی، فرامرز؛ ایزدپور، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های نوین حسابداری و حسابرسی*، ۱ (۱): ۷۴-۹۲.
۵. سرلک، نرگس؛ کلوانی، داود. (۱۳۹۴). رابطه بین انواع مالکیت نهادی و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴ (۳): ۱۴۹-۱۶۴.
۶. صمدی لرگانی، محمود؛ آراد، حامد. (۱۳۹۱). نقش افشای داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی. *حسابرس*، ۵۸: ۱۱۱-۱۱۳.
۷. صبوحی، نسترن؛ محمدزاده، امیر. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی. *دانش حسابداری مالی*، ۵ (۱): ۱۲۷-۱۵۱.
۸. علوی طبری، حسین؛ شهناز، مشایخ؛ نوبهاری، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و ثبات سود با هزینه سرمایه سهام عادی. *توسعه و سرمایه*، ۳ (۶): ۵۷-۷۶.
۹. عنایتی، انور؛ پاک مرام، عسگر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت افشاء و اطلاع‌رسانی شرکت‌ها بر مربوط‌بودن ارزش سود حسابداری. *دانش حسابداری مالی*، ۳ (۴): ۱۵۳-۱۷۲.
۱۰. کاشانی‌پور، محمد؛ آذرخوش، حمید؛ رحمانی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارویی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری سلامت*. ۴ (۳): ۶۶-۸۵.
۱۱. لاری دشت بیاض، محمود؛ اورادی، جواد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری وحسابرسی*، ۲۴ (۱): ۸۱-۱۰۲.
۱۲. ملازاده، محمد؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ ساعی، محمد جواد. (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. *پژوهش‌های حسابداری مالی وحسابرسی*، ۸ (۳۰): ۳۷-۶۰.
۱۳. منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه؛ حسین پور، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۷ (۱): ۳۷-۵۴.
۱۴. یوسفی اصل، فرزانه؛ ملانظری، مهناز؛ سلیمانی امیری، غلامرضا. (۱۳۹۳). تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲: ۱-۳۸.

www.SID.ir

Archive of SID

15. Andreou, P., Ehrlich, D., & Louca, C. (2013). Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis. *In European Financial Management Association*, *Annual Conference*.
16. Baatwah, S. R., Salleh, Z., & Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter?. *Managerial Auditing Journal*, 30(8/9): 998-1022.
17. Barker III, V. L., & Mueller, G. C. (2002). CEO characteristics and firm R&D spending. *Management Science*, 48(6): 782-801.
18. Bochkay, K., Chychyla, R., & Nanda, D. (2016). CEO Ability Uncertainty, Career Concerns and Voluntary Disclosure. *Working Paper*, University of Miami.
19. Bushman, R and Piotroski, J and Smith, A (2004). What determines corporate transparency?. *Journal of accounting Research*. 42(2). May 2004: 207-252.
20. Crossland, C., & Hambrick, D. C. (2007). How national systems differ in their constraints on corporate executives: A study of CEO effects in three countries. *Strategic Management Journal*, 28(8): 767-789.
21. Cullinan, C. P., & Roush, P. B. (2011). Has the likelihood of appointing a CEO with an accounting/finance background changed in the post-Sarbanes Oxley era?. *Research in Accounting Regulation*, 23(1): 71-77.
22. Custodio, C., & Metzger, D. (2014). Financial expert CEOs: CEO′ s work experience and firm′ s financial policies. *Journal of Financial Economics*, 114(1): 125-154.
23. DeBoskey, D. G., & Gillett, P. R. (2013). The impact of multi-dimensional corporate transparency on us firms' credit ratings and cost of capital. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 40(1): 101-134.
24. Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management science*, 58(7): 1229-1248.
25. Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2017). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 0148558X17748405.
26. Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S. E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2): 463-498.
27. Ettredge, M., Li, C., Wang, Q., & Xu, Y. (2018). Executive Director Financial Expertise and IPO Performance. *Working Paper*, University of Kansas.
28. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of accounting and economics*, 39(2): 295-327.
29. Gernon H, Meeks GK (1997). *Accounting an international perspective*. 5th edn. Irwin McGraw-Hill, Singapore.
30. Gounopoulos, D., & Pham, H. (2017). Financial Expert CEOs and Earnings Management around Initial Public Offerings (IPOs). *Working Paper*, University of Bath.

www.SID.ir

Archive of SID

31. Habib, A., & Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, investment efficiency and stock price crash risk. *Research in International Business and Finance*, 42: 262-274.
32. Ham, C., Seybert, N., & Wang, S. (2018). Narcissism is a bad sign: CEO signature size, investment, and performance. *Review of Accounting Studies*, 23(1): 234-264.
33. Hitt, M. A., & Ireland, R. D. (1985). Corporate distinctive competence, strategy, industry and performance. *Strategic management journal*, 6(3):273-293.
34. Jiang, F., Zhu, B., & Huang, J. (2013). CEO's financial experience and earnings management. *Journal of Multinational Financial Management*, 23(3): 134-145.
35. Kreitner, R., & Kinicki, A. (1992). *Organizational behavior*. Boston: Irwin McGraw-Hill.
36. Krishnan, G. V., Visvanathan, G., & Su, L. N. (2009). Does Accounting and Financial Expertise in the C-Suite Aid or Mitigate Earnings Management?. *Working Paper*, Bentley University.
37. Koyuncu, B., Firfiray, S., Claes, B., & Hamori, M. (2010). CEOs with a functional background in operations: Reviewing their performance and prevalence in the top post. *Human Resource Management*, 49(5): 869-882.
38. Lehn, K., & Poulsen, A. (1989). Free cash flow and stockholder gains in going private transactions. The *Journal of Finance*, 44(3): 771-787.
39. Li, C., Tseng, Y., & Chen, T. K. (2016). Top management team expertise and corporate real earnings management activities. *Advances in Accounting*, 34: 117-132.
40. Matsunaga, S. & Yeung, E. (2008). Evidence on the Impact of a CEO's Financial Experience on the Quality of the Firm's Financial Reports and Disclosures. *Working Paper*, University of Oregon.
41. Matsunaga, S. R., Wang, S. & Yeung, P. E. (2013). Does Appointing a Former CFO as CEO Influence a Firm's Accounting Policies?. *Working Paper*, University of Oregon.
42. Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and cost of debt. *The Accounting Review*. 73 (4): 459–474.
43. Shen, W. (2003). The dynamics of the CEO-board relationship: An evolutionary perspective. *Academy of Management Review*, 28(3), 466-476.

www.SID.ir